

*****استاد محمد علی طاهری

بنیانگذار طب مکمل فرا درمانی و نویسنده کتاب انسان از منظری دیگر
قسمت پنجم

در پی مطالب گذشته در این قسمت به بررسی دقیق مغز و تعیین فعالیتهای مربوط به آن و کنترل فعالیتهای حیاتی و ستادی و تعریف بیماری افسردگی و انواع آ‌د‌آ‌ز دیدگاه فرادرمانی خواهیم پرداخت.

●تعریف مغز در فرادرمانی

مغز مجموعه آنتن هایی است که اطلاعات حواس مختلف داخلی و خارجی بدن را به کالبد‌های مختلف وجودی انسان مانند کالبد ذهنی (بخش ادراکات)، کالبد روانی (بخش احساسات) و سایر کالبد‌ها مخابره کرده، یا از آن ها دریافت و به زبان جسم ترجمه می کند.

در دنیای علم، مغز انسان را مانند یک آبرایانه در نظر می‌گیرند که فرمانده بدن بوده و هدایت‌کننده ی تمام مسیرفکری و حیاتی انسان است. جهت بررسی دقیق تر مغز و تعیین فعالیت های مربوط به آن، در ابتدا کنترل فعالیت های حیاتی و ستادی را مورد مطالعه قرار می دهیم:



کنترل اعمال حیاتی بدن مانند تنفس، ضربان قلب، قند خون، فشارخون، PH خون، تنظیم داخلی حرارت بدن، قند خون، چشم، حرکت پلک، معده، روده و...
- فعالیت های فیزیکی کشف واکنش مانند بررسی درد...

انجام حرکات ارادی مانند حرکات سر،

خارجی دست و پا، گردن و...

انجام واکنش های غیر ارادی

جمع آوری اطلاعات

یادگیری و سپردن به حافظه

یادآوری و استخراج از حافظه

چیدمان اطلاعات (تفکر)

تشخیص اطلاعات

- فعالیت های فکری قیاس اطلاعات(منطق)

ارزیابی بینشی(طرزتلفی از وقایع بیرون و جهان هستی)

انتخاب اطلاعات و تصمیم گیری (اختیار)

تخیل، طراحی، اراده،.....

ذوق و شوق وجد و سرور حیرت و تعجب

- فعالیت های ذوقی ، ایثار و فداکاری،(پله عشق)
مهر و محبت، شور و هیجان، شیدایی و شوریدگی و از خود بی خودشدگی،.....

در این جا سؤالاتی مطرح می شود؛ برای مثال، یک رایانه باید از طریق اپراتور برنامه ریزی شده سپس همان برنامه ها دوباره توسط آپراتور مورد استفاده قرار گیرد و به مراحل بدون وجود اپراتور، هیچ سیستمی نمی تواند هم خود را برنامه ریزی کرده و هم از آن برنامه ها استفاده کند؛ بنابراین:

اگر مغز یک آبرایانه است، آپراتور آن کجاست؟

اپراتور جزیی از مغز است و یا بخشی مستقل از مغز است؟

اکنون از زاویه ای دیگر به این مسأله نگاه می کنیم؛ می دانیم که مغز از نورون ها تشکیل شده است و یک نورون توزیع کننده سیستم الکتریک مغز است و مانند یک کنتاکتور برق عمل می کند.

در واقع مجموعه ای از نورون ها تشکیل یک مدار فرمان برق را می دهند که با کمک این مدار فرمان، کلیه ی سیستم های خودکار(اتوماسیون) بدن کنترل می شود. در یک مدار فرمان کنتاکتور برق، یا باز و بسته شدن کنتاکت ها، جریان برق قطع و وصل می شود؛ پالسی که هر لحظه از سنسورها و گیرنده های مختلف می رسد با تحریک بوبین های کنتاکتورها، باعث باز و بسته شدن کنتاکت ها شده و به دنبال آن کلیه ی اعمال فیزیکی و مکانیکی به طور اتوماتیک به اجرا در می آید.

در یک نورون نیز به گونه ی مشابهی از یک طرف جریان الکتریکی وارد شده و از طریق «سیناپس» ها که مانند کنتاکت های یک کنتاکتور برق عمل می کنند، توسط واکنشی به نام «واکنش استیل کولین» هادی و عایق شده و بدین ترتیب، یا جریان الکتریکی را از خود عبور می دهد و یا آن را قطع می کند و از این طریق، توزیع الکتریکی توسط نورون صورت می گیرد.

یک فرق اساسی بین نورون و کنتاکتور برق وجود دارد و آن هم این است که جریان الکتریک نورون، با ساز و کار تغییر ولتاژ و آمپراژ مجهز است که هر نورون با زبان این تغییرات، بی نهایت پیام الکتریکی را دریافت کرده و به نورون مجاور خود ارسال می کند. بدین طریق، با کمک سنسورهای مختلف داخلی و خارجی بدن،

سلامت

مغز و افسردگی از دیدگاه فرادرمانی

افسردگی انعکاس پیدا می کند. اما در این مرحله هنوز احساسات، تحت تأثیر افسردگی قرار ندارد و شخص قادر به نشان دادن احساسات مثبت هست. با گذشت زمان و ادامه ی روند افسردگی، روان نیز درگیری می شود و احساسات تحت تأثیر قرار گرفته و به سمت منفی گرایش پیدا می کند. این مرحله را **افسردگی روانی** می نامیم. در این مرحله، تشعشع فرد کاملاً منفی و ادراکات او مخدوش و احساسات نیز منفی است. با ادامه این روند، سرانجام آثار مخرب افسردگی به جسم نیز سرایت می کند و حرکات، راه رفتن، حالات چهره و بدن، همگی دچار آفت و خمودی می شود.

با ادامه ی روند افسردگی، تشعشعات افسردگی نیز روزه

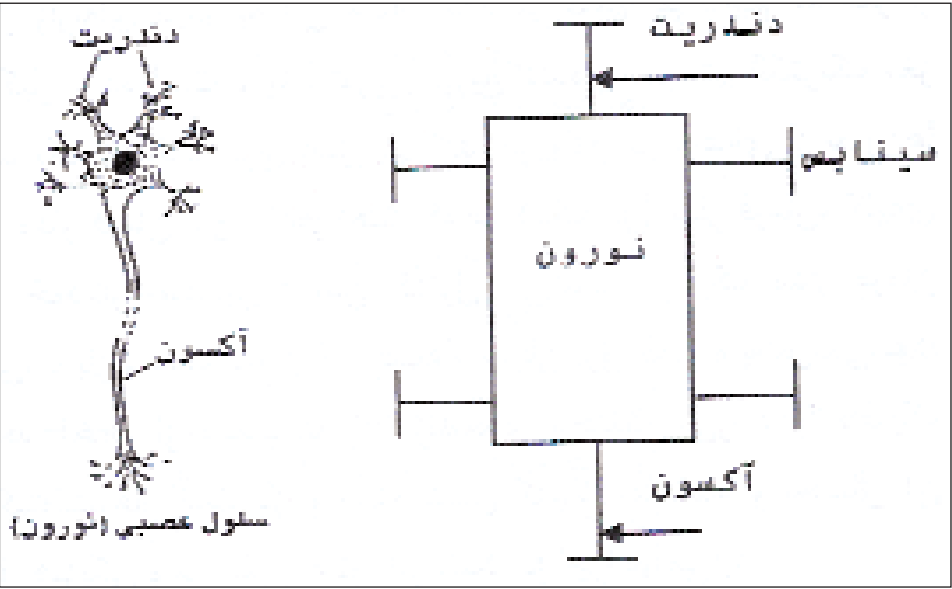
به نظر می رسد منطبق با مرکز مغز باشد، شروع به رشد کرده و به تدریج همه وجود را فرامی گیرد .

●افسردگی ذهنی

دومین مرحله از افسردگی است که پس از آلودگی تشعشعاتی، درگیری به ذهن فرد کشیده می شود و به تدریج آثار تفکرات ذهنی منفی در شخص پدیدار می شود. اما در این مرحله هنوز قابلیت ابراز احساسات مثبت مانند خنده و شوخی در فرد مشاهده می شود.

●افسردگی روانی

سومین مرحله افسردگی «افسردگی روانی» است که درگیری از ذهن به روان شخص گسترش پیدا کرده و از این پس، روان نیز



گسترش گذاشته و به طور کامل با بدن منطبق می شود.

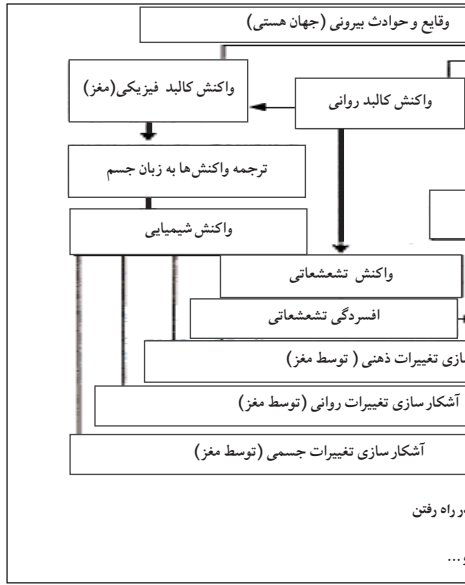
با گذشت زمان و درگیر شدن جسم، افسردگی تشعشعاتی نیز به راحتی همه ی بدن را در مدارات بیضی شکل تسخیر کرده و زمانی که همه ی بدن را فرا گرفت، از ورود جریانات مثبت مانند نیروی کیهانی و انرژی های مختلف کیهانی که برای فعالیت چاکراها و راکتورهای انرژی لازم است، جلوگیری به عمل می آورد. در نتیجه به دنبال اختلال در آن ها، بخش روان قدرت خود را در تفکیک احساسات و بخش ذهن توانایی خود را در تشخیص ادراکات از دست داده و به دنبال آن ضمن این که فرد معنای همه چیز را به خوبی می فهمد اما قادر به درک روح و معرفت پدیده ها نیست و همه چیز برای او مرده و به تدریج درک و احساس خود را نسبت به همه چیز از دست می دهد. برای مثال، فرزند خود را به خوبی می شناسد ولی دیدن او احساسی را در او برنمی انگیزد. درک رابطه ها از بین می رود و به طور کلی ارتباط معرفتی فرد با بیرون از خود به طور کامل قطع شده و دیگر ارزش و اهمیت پدیده ها برای او از بین می رود و حالتی برای شخص به وجود می آید که آن را «مرگ نامحسوس» می نامیم.

●افسردگی تشعشعاتی

تفکرات انسان	
<p>منفی</p>	<p>مثبت</p>
تشعشع مثبت	تشعشع منفی
روحیه مثبت	پژمردگی
شکوفایی روانی	افسردگی

زمانی که این نرم افزار بینش با نگرش منفی، حوادث بیرونی را تعبیر و تفسیر کند، کالبد روانی تشعشعات منفی ایجاد می کند؛ این تشعشعات می تواند باعث آلودگی و درگیری دیگران شده و آن ها را تحت شعاع خود قرار بدهد، یعنی افرادی که در ارتباط با اشخاص افسرده قرارگیرند پس ازمدتی احساس افسردگی نیز به آن ها دست می دهد. به عبارتی «افسرده دل، افسرده کند انجمنی را.»

از گروه هایی که به شدت در معرض آلودگی های تشعشعاتی قرار دارند، روان پزشکان هستند که در معرض این گونه انتقالات



قرار می گیرند. به طور خلاصه می توان گفت:

تفکرات انسان یا جنبه ی مثبت دارد یا منفی. در صورتی که مثبت باشد، ایجاد تشعشعات مثبت کرده و به دنبال آن روحیه ی مثبت و شکوفایی ایجاد می شود.

در صورتی که تشعشعات انسان منفی باشد، تشعشعات ایجاد شده کالبد روانی را آلوده کرده و در مدارهای بیضی شکلی که

صبح اقتصاد

مقابل سوختگی را مخابره می کند و این سلول ها نیز همین واکنش را بروز می دهند.

اگر چشمان سوزه باز بود و مشاهده می کرد که یک تکه یخ کف دست او گذاشته می شود، این اتفاق نمی افتاد زیرا در این صورت مدیر بدن با اطلاعات غلط، فریب نمی خورد.

مثال ۳: آزمایشی برعکس مثال قبل را مورد بررسی قرار می دهیم به این شرح که به سوزه تلقین می شود که تکه یخی در کف دست او خواهد گذاشت، پذیرش این خبر توسط مدیریت بدن و سلول باعث می شود که این مدیریت دستور ابراز واکنش در مقابل یخ زدگی را به سلول های کف دست مخابره کند، در نتیجه این سلول ها نیز همین واکنش را از خود نشان خواهند داد و علاوه یخ زدگی در کف دست ظاهر خواهد شد. هر چند که در عمل، آهنی داغ را در کف دست سوزه گذاشته اند.

اکنون با فریب خوردن مدیر بدن به وسیله اطلاعات غلط و صدور دستور واکنش در مقابل تماس با یخ، با توجه به این که در عمل، قطعه ای آهن داغ در کف دست سوزه قرار دارد، چرا سلول در تماس با آهن داغ، تخریب نشده است؟

در جواب باید گفت، مقاومت سلول بسته به شرح وظیفه ای دارد که برای آن تعیین می شود و مقاومت آن نیز در هر شرایطی، نسبت به آن شرایط تعریف شده است. برای مثال، موجودات دریایی را که از عمق ۲۵۰۰ متری سواحل ایتالیا بیرون آورده اند، درجه ی حرارتی معادل ۲۵۰ درجه ی سانتیگراد و فشار بسیار زیادی را در چنین عمقی تحمل می کنند؛ در حالی که ساختمان سلولی آن ها فرقی با سلول های دیگر موجودات ندارد و اگر بعد ها بتوانند از اعماق بیشتر اقیانوس ها موجودات آبی را بیرون بیاورند، معلوم می شود که سلول بدن آن ها حرارت و فشار بسیار بالایی را می تواند تحمل کند و این نشان می دهد که اگر شرایط محیطی برای موجود زنده تعریف شده باشد می تواند حرارت و فشار بالا را تحمل کند.

آزمایش فوق نشان می دهد که چگونه عده ای با تمرین های طولانی و با استفاده از شیوه های خود هیپنوتیزم و وارد کردن دستورها و تغییر برنامه های نرم افزاری در بخش مدیریت بدن و سلول، قادر می شوند که روی آتش راه بروند بدون این که هیچ گونه آثار سوختگی در آن ها ایجاد شود، حتی شاید روی آتش، احساس یخ زدگی نیز داشته باشند. یا افرادی در دمای چند درجه زیر صفر، یخ روی سطح آب را شکسته و در آن اقدام به شنا کنند و...

مثال۴: در بیماری های هیستریک که شامل فلج هیستریک، کوری هیستریک، کری هیستریک و... است، در این بیماری ها ضمن این که اعضا درگیر و مشکل دار به طور کامل سالم هستند، اما این بخش ها درگیر بوده و فرد بیمار بر بکارگیری این اعضا قادر نیست؛ برای مثال، در کوری هیستریک فرد نمی تواند بیند، در فلج هیستریک فرد از حرکت دادن عضو فلج عاجز است و در کری هیستریک فرد قادر به شنیدن نیست. اکنون با توجه به این که همه ی این عضو ها سالم هستند؛ پس چرا در اختیار و کنترل فرد قرار ندارند؟

در جواب باید گفت که گذشته از ساز و کار بیماری های هیستریک (که جداگانه مورد بررسی قرار خواهد گرفت)، مدیر بدن به نوعی متقاعد شده که دستوراتی را به اجرا بگذارد؛ مثلاً برای پیاده کردن توجهیاتی که فرد را از یک سری مسئولیت هایش معاف کند، به بخشی از نخاع دستوری مخابره می کند که هیچ پیامی از آن موضع، به بالا گزارش نکند و در نتیجه فرد ضمن تندرستی کامل، فلج شده و قدرت حرکت را از دست می دهد و یا قادر به دیدن و یا شنیدن نیست.

مثال۵: بعضی افراد با پیش آمدن خبری ناگوار غش می کنند، ساز و کار غش چگونه است؟

در صورت پیش آمدن حادثه ای ناگوار، اگر طبق تشخیص بخش واکنش دفاع روانی، وخامت اوضاع خارج از تحمل فرد باشد، گزارش آن به مدیریت بدن داده می شود و مدیر بدن نیز دستور عدم مبادله ی هرگونه اطلاعات خارجی را تا اطلاع ثانوی، برای مغز صادر می کند و از این پس حالت غش روی شخص به اجرا در می آید. کودکانی که هنگام رفتن به دبستان، ناگهان دچار دل درد شدید می شوند و پس از سپری شدن زمان واطمینان از این که زمان رفتن به مدرسه سپری شده است، دل درد آن ها خوب می شود و... همه ی شواهد و مدارک نشان می دهد که سلول، شرح وظیفه خود را از جای دیگری دریافت می کند.

مدیر بدن در کجا قرار دارد؟ آیا جزیی از مغز است و یا در خارج از آن قرار دارد؟ در جواب باید بگوییم که این مدیریت جزیی از مغز نیست و نورون ها نیز دستورات و شرح وظیفه ی خود را از این بخش دریافت می کنند و در واقع مدیر بدن، کنترل صد تریلیون سلول را بر عهده دارد که نورون ها نیز جزیی از آن هاست. آناتومی این بخش از صد تریلیون انشعاب نامرئی تشکیل شده که به تک تک سلول ها کشیده و از طریق این انشعاب ها، شرح وظیفه ی سلول ها به آن ها مخابره می شود.

با این توصیف، عملکرد مغز چگونه است؟

برای بررسی بهترین موضع، عملکرد مغز را به چند بخش کلی تقسیم می کنیم:

۱. بخش اتوماسیون یا بخش کنترل خودکار بدن
۲.کنترل واکنش های غیرخودکار
۳.حافظه مغزی
۴.آشکار سازی فعالیت های پله ی عقل و پله عشق
۵.دریافت اطلاعات خارجی به کمک سنسورهای حواس

مختلف

۶. مخابره اطلاعات سنسورهای حواس به کالبد‌های وجودی

مختلف و دریافت اطلاعات مخابره شده از آن ها.

۷. ترجمه اطلاعات دریافتی از کالبد‌های مختلف به زبان جسم، از طریق تولید و ترشح های شیمیایی.